

پرونده روایی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر ایران



روح‌اله حمیدیان
مدیرکل روابط عمومی
و امور بین‌الملل ساتبا

پرونده‌های ویژه معمولاً زمانی منتشر می‌شوند که رویدادی رخ داده، طرحی به نتیجه رسیده یا سازمانی می‌خواهد مجموعه‌ای از اقدام‌ها خود را معرفی کند. اما انگیزه شکل‌گیری این پرونده، صرفاً ثبت چند پروژه، بازتاب چند عدد یا ارائه تصویری از عملکرد یک سازمان نبود. پرسش اصلی ما از ابتدا این بود: چرا توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، پس از سال‌ها حضور در برنامه‌ها و اسناد بالادستی، امروز به یکی از اولویت‌های اصلی صنعت برق ایران تبدیل شده است؟

پاسخ به این پرسش، تنها با انتشار اخبار افتتاح نیروگاه‌ها یا اعلام ظرفیت‌های جدید ممکن نبود. برای فهم این تغییر، باید به سال‌هایی بازمی‌گشتیم که رشد مصرف، فرسودگی بخشی از زیرساخت‌ها، کمبود سرمایه‌گذاری، محدودیت منابع سوخت، فشار هم‌زمان بر شبکه برق و گاز و افزایش هزینه‌های تولید، به تدریج شکافی میان ظرفیت موجود و نیاز کشور ایجاد کرد. ناترازی انرژی، چه در حوزه برق و چه در حوزه گاز، محصول یک روز یا یک تصمیم نبود و طبیعتاً راه‌حل آن نیز در یک اقدام یا یک فن‌آوری خلاصه نمی‌شود.

با این حال، تشدید این شرایط موجب شد جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر در سیاست‌گذاری کشور تغییر کند. خورشید، باد و دیگر منابع پاک، دیگر صرفاً گزینه‌هایی برای کاهش آلاینده‌ها یا همراهی با روندهای زیست‌محیطی جهان نبودند. سرعت احداث، امکان توسعه در مقیاس‌های مختلف، کاهش وابستگی به سوخت، قابلیت تولید پراکنده، صرفه‌جویی در مصرف آب و نقش این منابع در افزایش تاب‌آوری شبکه، سبب شد تجدیدپذیرها به بخشی از پاسخ صنعت برق به شرایط جدید تبدیل شوند. این تغییر نگاه، پرسش‌های تازه‌ای نیز

به همراه آورد: چرا ظرفیت‌ها باید با چنین سرعتی افزایش یابند؟ نسبت پروژه‌های در حال احداث با ظرفیت واقعاً وارد شده به مدار چیست؟ منابع مالی این توسعه از کجا تأمین می‌شود؟ بخش خصوصی چه نقشی دارد؟ چرا بخشی از تجهیزات از خارج تأمین می‌شود؟ برنامه ساخت داخل چیست؟ تجهیزات وارد شده چگونه میان پروژه‌ها و ساختگاه‌ها توزیع می‌شوند؟ شبکه انتقال و توزیع تا چه اندازه آمادگی جذب ظرفیت جدید را دارد؟ ذخیره‌سازها چه جایگاهی در این برنامه دارند؟ و مهم‌تر از همه، آثار واقعی این توسعه بر ناترازی، مصرف سوخت، منابع آب، محیط‌زیست و اقتصاد انرژی چگونه سنجیده خواهد شد؟

بی‌پاسخ ماندن این پرسش‌ها می‌تواند توسعه تجدیدپذیرها را به مجموعه‌ای از اعداد و وعده‌ها تقلیل دهد. از همین رو، تصمیم‌گیری این پرونده تنها روایتگر اقدام‌ها نباشد، بلکه تا حد امکان، سازوکار تصمیم‌گیری، چالش‌های اجرا، محدودیت‌ها، نقدها و معیارهای ارزیابی را نیز در برابر مخاطب قرار دهد.

به همین دلیل، ساختار این پرونده از یک گزارش عملکردی ساده فاصله گرفت. ابتدا کارشناسان و تحلیلگران از ریشه‌های ناترازی، کمبود سرمایه‌گذاری و ضرورت تغییر مسیر سخن گفتند. سپس مسؤولان وزارت نیرو و ساتبا درباره برنامه‌ها، مدل‌های مالی، روند اجرا و موانع موجود توضیح دادند. در ادامه، دیدگاه سرمایه‌گذاران، بخش خصوصی، نمایندگان مجلس، مجریان طرح‌ها و گروه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. بخش مستقلی نیز به داده‌های آماری و پاسخ به ابهامات اختصاص یافت تا مخاطب بتواند میان هدف‌گذاری، قرارداد، پروژه در حال ساخت و ظرفیت وارد شده به مدار تمایز قائل شود.

این شیوه آگاهانه انتخاب شد؛ زیرا ارتباطات عمومی زمانی اعتمادآفرین است که فقط از موفقیت‌ها نگوید. روایت معتبر باید فاصله میان برنامه و اجرا، موانع تأمین مالی، محدودیت‌های شبکه، مسئله فن‌آوری، ضرورت ساخت داخل و ریسک‌های پیش رو را نیز نشان دهد. تبیین با تبلیغ تفاوت دارد. تبلیغ می‌کوشد تصویری بدون نقص ارائه کند، اما تبیین تلاش می‌کند مسئله را با زمینه‌ها، پیچیدگی‌ها و شواهد آن برای مخاطب قابل فهم سازد.

هدف دیگر از تدوین این پرونده، پاسخ‌گویی بود. توسعه چند هزار مگاوات ظرفیت تجدیدپذیر، تصمیمی محدود به یک سازمان نیست. این مسیر با منابع عمومی، سرمایه بخش خصوصی، سیاست‌های ارزی و صنعتی، شبکه برق، محیط‌زیست، صنایع و زندگی روزمره

مردم پیوند دارد. بنابراین جامعه، رسانه‌ها، سرمایه‌گذاران و نهادهای نظارتی حق دارند بدانند چه تصمیمی گرفته شده، چرا این تصمیم اتخاذ شده، با چه منابعی اجرا می‌شود و با چه شاخص‌هایی باید درباره موفقیت آن داوری کرد. در کنار تبیین و پاسخ‌گویی، این پرونده با هدف ثبت حافظه نهادی نیز شکل گرفت. پروژه‌های بزرگ معمولاً در گزارش‌های سالانه و آمارهای رسمی ثبت می‌شوند، اما دلایل شکل‌گیری تصمیم‌ها، اختلاف دیدگاه‌ها، تغییر رویکرد مدیران، تجربه‌های اجرایی و درس‌آموخته‌های مسیر کمتر باقی می‌مانند. سال‌ها بعد ممکن است اعداد ظرفیت در دسترس باشد، اما روشن نباشد کشور در چه شرایطی تصمیم گرفت مسیر توسعه تجدیدپذیرها را با شتاب بیشتری دنبال کند و مدیران، کارشناسان و مجریان با چه مسائل و انتخاب‌هایی روبه‌رو بودند.

از این منظر، این پرونده فقط برای امروز تهیه نشده است. تلاش کرده‌ایم سندی فراهم شود که در آینده نیز برای پژوهشگران، مدیران، رسانه‌ها و تصمیم‌گیران قابل مراجعه باشد؛ سندی که نشان دهد این دوره چگونه آغاز شد، چه استدلال‌هایی پشت آن قرار داشت، چه مدل‌هایی برای اجرا انتخاب شد و چه پرسش‌هایی همچنان باز مانده است.

بدیهی است که هیچ نشریه یا محتوای رسانه‌ای نمی‌تواند پاسخ نهایی درباره موفقیت یک سیاست ملی ارائه کند. اعتبار برنامه توسعه تجدیدپذیرها نه با تعداد تیرها و صفحات، بلکه با ظرفیت‌هایی که واقعاً وارد مدار می‌شوند، برق تولید شده، پایداری شبکه، میزان جذب سرمایه، تحقق ساخت داخل، کاهش مصرف سوخت و آب و رضایت ذی‌نفعان سنجیده خواهد شد. این نتایج در سال‌های آینده روشن‌تر خواهند شد.

بنابراین، این پرونده نه نقطه پایان یک روایت، بلکه ثبت نقطه آغاز آن است. تلاش کردیم به جای ساختن تصویری کامل و بی‌نقص، چارچوبی برای فهم و داوری فراهم کنیم. اگر این مجموعه توانسته باشد پرسش‌های دقیق‌تری ایجاد کند، اطلاعات پراکنده را در روایتی منسجم کنار هم قرار دهد و امکان گفت‌وگویی روشن‌تر درباره آینده انرژی ایران را فراهم سازد، به هدف خود نزدیک شده است.

این پرونده منتشر شد تا توضیح دهد چرا مسیر تغییر کرد، چه راهی انتخاب شد، چه موانعی پیش روست و جامعه باید تحقق چه وعده‌هایی را دنبال کند. پاسخ نهایی را نه این صفحات، بلکه نتایج واقعی این مسیر خواهند نوشت.